

سخن امام درباره روایات «قول زور»:

حضرت امام پس از اشاره به روایات مذکوره می نویسد:

«و الظاهر المتفاهم من عنوان قول الزور هو القول الباطل باعتبار مدلوله كالكذب و شهادة الباطل و الافتراء، و الغناء كما عرفت من كَيْفِيَّةِ الصوت، أو الصوت بكَيْفِيَّةِ، و هو عنوان مغاير لعنوان الكلام و القول.

و فسرت الآية بقول القائل للمغنى: أحسنت في صحبة حماد بن عثمان عن أبي عبد الله - عليه السلام -، مع أن قول أحسنت ليس بنفسه باطلا و زورا، و إنما أطلق عليه باعتبار تحسين الغناء. فيقع الكلام في كَيْفِيَّةِ إرادة الكلام الباطل باعتبار مدلوله و الغناء الذي صوت أو كَيْفِيَّتَهُ بكلام واحد، و كذا كَيْفِيَّةِ إرادة قول القائل أحسنت من قول الزور، هل هي من قبيل المجاز اللغوي المشهور مع استعمال اللفظ في أكثر من معنى واحد أى في معنى حقيقي و مجازي بعلاقة كعلاقة الحال و المحل.

أو من قبيل الحقيقة الادعائية على ما سلكناه في المجازات تبعا لبعض مشايخنا - رحمه الله - بمعنى استعمال قول الزور في معناه، و ادعاء أن الغناء منه، و كذا قول القائل للمغنى أحسنت. أو من قبيل إطلاق قول الزور و إرادة مطلق الباطل بنحو من الادعاء حتى يدخل فيه المزامير و المعازف و غيرهما.

أو أراد من قول الزور القول المشتمل على الباطل مدلولا و على الغناء جميعا، حتى لا تدل الآية و لا الروايات المفسرة لها على حرمة الغناء بنفسه.

أو أراد بقول الزور القول المشتمل على الباطل، إمّا نحو اشتمال الكلام على مدلوله، أو نحو اشتمال الموصوف على صفته و إضافة القول إلى الزور لا تحاده معه اتحاد الصفة مع الموصوف، فالقول زور باعتبار اشتمال مدلوله على الباطل و زور باعتبار صفته و هو الصوت الخاص، فيكون الغناء مستقلا محكوما بوجوب الاجتناب، و الكلام المشتمل على الباطل بحسب مدلوله أيضا محكوم به.^۱

توضیح:

۱. ظاهری که از عنوان قول زور فهمیده می شود، «قول باطل» است و بطلان قول ظاهراً به سبب مضمون

۱. خمینی، سید روح الله موسوی، المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۳۰۸.





- کلام است (مثل شهادت دروغ، دروغ، تهمت...) ولی باطل بودن غنا، به سبب مضمون کلام نیست چراکه غنا کیفیت کلام (فرم) است و لذا اطلاق باطل بر «فرم کلام» خلاف ظاهر است.
۲. از طرفی هم در روایت حماد بن عثمان، به «احسنت» گفتن در حالیکه «احسنت» باطل نیست، باطل گفته شده است.
۳. حال این سوال مطرح است که چگونه می توان جامعی را یافت که هم شامل مضمون کلام شود و هم شامل فرم کلام و هم شامل «احسنت گفتن»
۴. احتمال اول: آیا بگوئیم استعمال لفظ در اکثر از معنی واحد شده است؟ که یکی معنای حقیقی باشد (کلام دارای مضمون باطل) و یکی هم معنای مجازی (فرم سخن و احسنت گفتن) به علاقه حال و محل.
۵. احتمال دوم: یا بگوئیم از باب مجاز است ولی از نوع حقیقت ادعایی. به اینکه بگوئیم «قول زور» همان مضمون باطل است ولی ادعا شده است فرم باطل هم همان مضمون باطل است و احسنت گفتن هم مضمون باطل است.
۶. احتمال سوم: یا بگوئیم «قول زور»، از معنای «قول» خارج شده است و مجازاً در مطلق باطل به کار رفته است و لذا شامل آلات موسیقی هم می شود.
۷. احتمال چهارم: یا بگوئیم «قول زور» یک معنای واحد دارد و آن هم عبارت است از صدایی که فرم غنایی و محتوای باطل دارد. و لذا غنا بدون مضمون باطل، حرام نیست.
۸. احتمال پنجم: یا بگوئیم «قول زور» یعنی «قول مشتمل بر باطل» که گاه این اشتمال از جهت مضمون است و گاه از حیث فرم. اشتمال از حیث مضمون، یعنی اینکه کلام شامل معنی است و اشتمال از حیث فرم یعنی اینکه کلام صفتی دارد که غنایی بودن است (اما اینکه قول به زور اضافه شده است، از باب آن است که فرم و محتوا متحد هستند از باب اتحاد وجودی صفت و موصوف، و لذا قابل اضافه هستند).
۹. پس قول زور است، یا به جهت محتوا یا به جهت صفتی که دارد (و صفت با موصوف وجوداً متحد است)
۱۰. طبق احتمال آخر، غنا بدون توجه به مضمون آن و سخن باطل بدون توجه به فرم آن حرام هستند.



حضرت امام سپس می نویسد که احتمال پنجم اقرب احتمالات است:

«و لعلّ هذا الاحتمال الأخير أو ما يرجع إليه ممّا تقدّم أقرب الاحتمالات إلى ظواهر الأخبار المفسّرة كما اختاره بعض المدققين، لأنّ الظاهر منها أنّ قول الزور هو الغناء أو هو من قول الزور، و مع قيام القرينة العقلية بأنّه ليس من مقولة القول يدور الأمر بين رفع اليد عن ظاهر جميع الأخبار المفسّرة الدالّة على أنّ الغناء الذي هو صوت خاصّ هو قول الزور بتمام مصاديقه، و حملها على قسم خاصّ متحقّق مع كلام خاصّ مدلوله الباطل و الزور كما احتمله الشيخ و اختاره.

و بعبارة أخرى إنّ الظاهر من الأخبار هو أنّ الغناء تمام الموضوع لصدق قول الزور عليه و مستعمل فيه، فعلى الاحتمال الذي رجّحه الشيخ لا بدّ من رفع اليد عن هذا الظاهر مع عدم حفظ ظهور الآية أيضا، فإنّ ظاهرها حرمة قول الزور، و الحمل على الغناء بما ذكر، حمل على غير مدلولها بحسب فهم العرف. بل هو حملها على قسم خاصّ منه، تأمل.

و بين حفظ ظهور الأخبار و حملها على الغناء بالمعنى الحقيقي المعروف مع حفظ ظاهر الآية من حيث تعميمها بالنسبة إلى جميع الأقوال الباطلة.

و إن نعمّمها لأمر آخر لم نعمّمها له لو لا الأخبار، و هو إرادة الزور باعتبار الوصف الحاصل له و هو الغناء و الحاصل أنّه بناء على ما رجّحه الشيخ فى معنى الآية بضميمة الروايات إنّ الغناء ليس قول الزور و لا هو من قول الزور، و أمّا على ما ذكرناه فإنّه هو لا تحادها خارجا و صدق أحدهما على الآخر بالحمل الشائع.

و لو فرضت المناقشة فيما ذكرناه فلا أقلّ من دخول الغناء تعبدا فيه، و مقتضى إطلاق الأدلّة أنّه بذاته و بلا قيد قول الزور.»^۱

توضیح:

۱. احتمال پنجم یا معنایی که همانند آن است، با توجه به روایاتی که در مورد این آیه وارده شده است، اقرب احتمالات است (کما اینکه مرحوم شیخ محمد تقی شیرازی نیز چنین گفته است)
۲. چراکه روایات می گوید قول زور غنا می باشد یا اینکه غنا از زمره قول زور است. [یعنی فرم غنا است]
۳. و چون قرینه داریم (قرینه عقلی) که غنا از مقول قول نیست [یعنی قول، مضمون کلام است]، دو را برای

۱. خمینی، سید روح الله موسوی، المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۳۰۹.





- ما باقی می ماند.
۴. یکی آنکه ظاهر همه روایات را کنار بگذاریم (روایاتی که می گوید همه مصادیق غنا قول زور است) و لاجرم بگوئیم روایات آن غنایی که در ضمن کلامی است که مضمون آن باطل است، را قول زور می داند (و این آن احتمالی است که مرحوم شیخ انصاری داده است)
۵. به عبارت دیگر ظاهر روایات آن است، برای اینکه بر چیزی زور صدق کند و در آن استعمال شود، صرف غنا بودن کافی است (تمام الموضوع) ولی چون احتمال قابل اخذ نیست شیخ انصاری می گوید مراد روایات غناهای دارای مضمون باطل است (که طبق این احتمال هم ظاهر روایت ها کتا می رود و هم ظاهر آیه چراکه ظاهر آیه مربوط به مضمون کلام است در حالیکه شیخ آن را به برخی از فرم های کلام تسری داده است)
۶. و راه دوم آنکه روایات را بر معنای حقیقی خود باقی بداریم (غنا = فرم سخن) و آیه را هم بر ظاهر خود حفظ کنیم و بگوئیم مراد آیه «قول مشتمل بر باطل» است که این «قول» اعم است از قول مشتمل بر فرم های باطل و قول مشتمل بر مضمون باطل.
۷. البته اگر روایات نبود، نمی گفتیم «قول مشتمل بر باطل» شامل غنی می شود [چراکه باطل بودن غنا قابل فهم عرفی نیست بلکه تعبّد شرعی است].
۸. پس: طبق نظر شیخ و احتمال ایشان چون زور یعنی مضمون باطل، غنا قول زور نیست ولی طبق احتمال ما، به سبب اتحاد موصوف و صفت، غنا زور می باشد.
۹. ان قلت: احتمال پنجم قابل پذیرش نیست.
- قلت: غنا را می شود تعبداً [از باب حکومت] قول زور دانست.

